



احیاء قدرت دریایی با استفاده از پتانسیل‌های سواحل مکران^{۱۳۶}

حبیب‌الله سیاری، دانشیار- علوم راهبردی دفاعی - دانشگاه عالی دفاع ملی
حسین خانزادی^{۱۳۷}، دکترای مدیریت استراتژیک

چکیده

جمهوری اسلامی ایران از طریق سواحل جنوب شرق (سواحل مکران) به اقیانوس‌ها و دریاهای آزاد ارتباط دارد و مجاورت ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی این سواحل، با دریاهای آزاد فرصتی راهبردی برای افزایش مرز امکان تولید ملی و ایجاد امتدادهای عمقی فراهم ساخته‌است. با وجود نظریه‌های مختلف در مورد قدرت دریایی، چگونگی تشکیل کشور دریایی و تبیین مدل‌های مختلف برای آن، برداشت‌ها از قدرت دریایی و چگونگی تشکیل آن به عوامل متعددی از جمله جغرافیا، آرمان‌های ملی، منافع ملی، اهداف ملی، سیاست‌های کلان ملی به ویژه سیاست‌های دریایی و سیاست دفاعی با تأکید بر مبانی آن بستگی دارد. تمدن دریایی و چگونگی تعامل آن با دریا و ساحل عامل مهم در شکل‌گیری یا احیاء قدرت دریایی است. در واقع این کیفیت تمدن دریایی است که چگونگی شکل‌گیری چرخه‌های قابلیت‌ساز را در ساحل برای تعامل با دریا و تولید قدرت دریایی تعیین می‌نماید و این خود به عوامل متعددی از جمله ژئوپلیتیک وابسته است.

این فرآیند از الگویی مبتنی بر مدل‌های تولید قدرت دریایی تبعیت می‌نماید. از این رو پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال که چه الگویی برای احیاء قدرت دریایی کشور مناسب است و کدام چرخه‌های قابلیت‌ساز و با چه نسبتی پیش‌ران فرآیند احیاء قدرت دریایی ج.ا.ایران با تأکید بر استفاده از پتانسیل‌های سواحل مکران هستند، با استفاده از روش پژوهش داده بنیاد و استفاده از روش‌های پژوهش موردی و زمینه‌ای و همبستگی با هدف ارایه‌ی الگوی احیاء قدرت دریایی کشور با استفاده از پتانسیل‌های سواحل

^{۱۳۶} - بخشی از سواحل جنوب شرق کشور حداقل بندر راهبردی جاسک و پسابندر که ایران را بصورت بلاواسطه به دریاهای آزاد متصل می‌سازد.



مکران انجام شده است. جامعه‌ی آماری ۷۰ نفر تمام شمار بوده و نمونه‌برداری از داده‌ها براساس ظهور مفهومی انجام شده و مدل مفهومی احیاء قدرت دریایی با ۵ چرخه‌ی قابلیت‌ساز قابل شکل‌گیری در سواحل مکران و ۱۸ مولفه به تفکیک هر چرخه به‌دست آمده است. در گام بعدی برای یافتن روابط میان چرخه‌ها و مولفه‌های احصاء شده پرسش‌نامه (با سئوالات باز و بسته) در جامعه آماری توزیع و سپس با استفاده از نرم‌افزارهای لیزرل، سوپر دسیژن و اس پی اس اس روابط میان متغیرها تعیین و بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، با آزمون کولموگروف- اسمیرنوف انجام و با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تاییدی روایی سازه آزمون و تأیید شد و به ترتیب چرخه‌های قابلیت‌ساز اقتصادی، اجتماعی، دفاعی امنیتی، فرهنگی و سیاسی به‌عنوان مهمترین چرخه‌های قابلیت‌ساز احیاء قدرت تعیین گردیدند و الگوی احیاء قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران با تعیین روابط میان هر چرخه و شاخص‌های آن با الگو ترسیم شد.

واژگان کلیدی: سواحل مکران، چرخه‌های قابلیت‌ساز، قدرت دریایی

۴- مقدمه

در دنیای امروز، دریا برای ملت‌ها عامل مهم زندگی است. هیچ کشور ساحلی نیست که منافی در دریا نداشته باشد. بهره‌مندی از منافع دریاها و مقابله با تهدیدات این حوزه، مستلزم برخورداری از قدرت دریایی است. عاملی که به شدت متأثر از وجود رویکرد دریایی نزد جامعه مدنی و دولت، توسعه‌ی دریا محور و پیشرفت سواحل با ظرفیت احیاء و توسعه قدرت دریایی است. مکران بخشی از سواحل جنوب شرق کشور است که ایران را بصورت مستقیم به دریاهاى آزاد مرتبط می‌سازد و فقدان الگوی احیاء قدرت دریایی مناسب موجب عقب‌ماندگی تاریخی این سواحل شده‌است، به نحوی که چرخه‌ی قابلیت‌ساز جامع و مانعی برای احیاء قدرت دریایی ج.ا.ایران در این سواحل شکل نگرفته‌است. حال این سؤال مطرح است که کدام چرخه‌های قابلیت‌ساز با استفاده از ظرفیت سواحل مکران و با چه الگویی باید شکل بگیرند که قادر به احیاء قدرت دریایی کشور باشد و اساساً زمینه‌های تولید قدرت دریایی چیست و همبستگی میان ظرفیت‌های سواحل مکران و احیاء قدرت دریایی چگونه می‌باشد؟

از آنجا الگوی توسعه احیاء قدرت دریایی حلقه‌ی اتصال منافع ملی به منابع سرشار دریا برای افزایش مرز امکان تولید ملی می‌باشد از این رو طراحی الگوی مناسب احیاء قدرت دریایی کشور با استفاده از ظرفیت‌های سواحل مکران حایز اهمیت است. همچنین فقدان این الگو منجر به انجام اقدامات پراکنده، غیرهم‌افزا و بخشی خواهد شد و می‌تواند منجر به اتلاف سرمایه‌های ملی و صرف هزینه‌های غیرضروری



و خارج از اولویت شود و ناهماهنگی در اقدامات و پی‌گیری‌ها را در پی داشته باشد و در نهایت به کندی و اختلال در شکل گرفتن چرخه‌های قابلیت‌ساز و احیاء قدرت دریایی کشور متناسب با شأن، منزلت و وزن ژئوپلیتیک ج.ا.ایران منجر شود. با این رویکرد هدف اصلی مقاله‌ی حاضر ارایه الگویی مناسب برای احیاء قدرت دریایی کشور با استفاده از ظرفیت‌های سواحل مکران است.

مبانی نظری

سواحل مکران

از آغاز انقلاب دریانوردی در قرن شانزدهم تاکنون، کرانه‌های دریا به گرانگه تمدن بشری تبدیل شده‌اند. در واقع دریایی‌شدن مبادلات جهانی زمینه ساحلی شدن اقتصاد جهانی را مهیا کرده‌است. ساحلی‌شدن اقتصاد جهانی به معنی تمرکز کانونی فعالیت‌های جمعیتی، بازرگانی، صنعتی، گردشگری، ماهی‌گیری در سواحل است. به نحوی که جمعیت مستقر در ۶۰ کیلومتری سواحل در سال ۱۹۹۵ میلادی، حدود ۴۰ درصد، برآورد شده‌است. (کریمی پور، ۱۳۸۹: ۱۱۰) امروزه نیز نقش و اهمیت سواحل دریا و موقعیت استراتژیک آن به لحاظ مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاحتی و... بسیار آشکار است و سواحل دریا به‌عنوان یکی از مهمترین مراکز اقتصادی و صنعتی در رشد و شکوفایی هر کشور مطرح است (ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۷۲). نواحی ساحلی به سبب نقش‌های حیاتی که در فعالیت‌های اقتصادی انسان دارد بسیار مهم هستند. این ناحیه از نظر تغییرپذیری و تداخل فعالیت‌های انسان، اقتصاد و اکولوژی مهمترین ناحیه محسوب می‌شود. (علیمحمدی سراب و اشرفی، ۱۳۸۴: ۶۷). براساس پیش‌بینی‌ها، ۷۵ درصد جمعیت دنیا تا سال ۲۰۲۰، در ۶۰ کیلومتری از خط ساحل زندگی خواهند کرد (Phillips, ۲۰۰۶: ۵۱۸).

مکران در جنوب شرقی از شمال محدود است به سراوان و از جنوب به دریای عمان و از مشرق به کلات و از مغرب به بشاگرد و قسمت مهم آن در ساحل دریای عمان واقع شده‌است (دلیری، ۱۳۹۱: ۱). جنوب شرق ایران با دارابودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی فوق‌العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی، واجد کارکردهای تولیدکننده‌ی قدرت در کشور است لیکن آن‌طور که باید موردتوجه قرارنگرفته و به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و محیطی عقب‌مانده محسوب می‌شود. توسعه آینده کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی و ساحلی دریای عمان وابسته به استفاده‌ی بهینه از کارکرد این منطقه از کشور می‌باشد (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۵).



با توجه به تفاوت‌هایی که به لحاظ توسعه‌نیافتگی در شرق کشور نسبت به سایر نواحی کشور وجود دارد، طرح توسعه محور شرق مطرح با هدف تعیین خط استراتژیک توسعه اقتصادی جنوب شرق کشور در سال ۱۳۶۷ تصویب شد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۷: ح). نابسامانی و ضعف نگران‌کننده اقتصادی- اجتماعی، فقر شدید اقتصادی، فرهنگی و محرومیت‌های آشکار جمعیت، گسستگی پیوندهای اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی منطقه با مولفه‌های ملی و در بعضی موارد تضاد و دوگانگی با آن، فقدان زیرساخت‌ها و زمینه‌های توسعه، دوگانگی‌های قومی و مذهبی و موقعیت جغرافیایی و راهبردی منحصر به فرد که در صورت وجود زیرساخت‌ها می‌تواند دروازه توسعه بازرگانی در سطح ملی باشد، مهم‌ترین ضرورت‌های توسعه محور شرق هستند. با این وجود اهداف طرح کمتر از پنجاه درصد محقق شد و مغفول ماندن رویکردهای توسعه انسانی و اجتماعی، مغفول ماندن توجه به کارکردها و شرایط ویژه منطقه‌ای استان مانند موقعیت جغرافیایی، اقلیم منطقه، ترکیب قومی، مذهبی و جمعیتی و نبود الزامات و ضرورت‌های توسعه منطقه‌ای مشکلات اصلی اجرای طرح بوده‌اند (عظیمی، ۱۳۷۹: ۶۰۶).

آمایش جنوب شرق کشور

مطابق با آخرین مطالعات طرح‌ریزی کالبدی سطح ملی و آمار نفوس و مسکن سازمان آمار ایران و تجزیه و تحلیل انجام شده توسط دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، از نظر وسعت، ذخایر معدنی و طول مرزهای آبی، نیمه جنوب شرقی کشور نسبت به نیمه غربی- شمالی آن مزیت دارد. از نظر استقرار جمعیت، کل شاغلین، اشتغال به کشاورزی، اشتغال به صنعت، اشتغال به خدمات، تراکم جمعیت، تعداد دانشجوی، تراکم شهری و تراکم روستایی نیمه جنوب شرقی کشور نسبت به نیمه شمال غربی در فقر شدید است. نیمه جنوب شرقی کشور از نظر توسعه زیرساخت‌هایی مانند برق، راه اصلی، راه آهن، بزرگراه، خط لوله گاز، فراورده‌های نفتی، بیمارستان، هتل و مراکز فرهنگی نسبت به نیمه شمال غربی در فقر نسبی قرار دارد. هیچگونه منابع نفتی در نیمه جنوب شرقی گزارش نشده و عمده مناطق و اراضی سواحل مکران از نوع مرتع و فاقد پوشش گیاهی ارزشمند با بارندگی کم، تبخیر زیاد، آب و هوای گرم و شرجی زیاد هستند. از نظر زیرساخت‌های نیروگاه، شبکه انتقال برق، سیلو، سردخانه، سد مخزنی و راه اصلی و سرمایه‌گذاری صنعتی، سواحل مکران نسبت به سایر مناطق کشور در فقر شدید قرار دارد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵).



۲-۱- توسعه سواحل مکران

۲-۳-۱- ظرفیت‌های ارتباطی بین‌المللی

حمل و نقل دریایی: ایران به دلیل دسترسی به آب‌های آزاد و موقعیت ویژه جنوب شرق از پتانسیل بالای ارتباطی بین‌المللی برخوردار است. کرانه‌های دریای عمان با داشتن سواحل مناسب موقعیت خوبی برای پهلوگیری کشتی‌های با ظرفیت بالا برای اتصال حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی در پیرامون سواحل دریایی دارد و شاهره‌های ارتباط‌دهنده مکان‌های تجمع انسانی آن نقش برجسته‌ای در توسعه مکان‌های جغرافیایی دارد (ابراهیم‌زاده؛ ۱۳۸۹: ۱۱۱).

حمل و نقل جاده‌ای: از میدان فعالیت وسیعی در خشکی برخوردار است و به‌عنوان مکمل دیگر انواع حمل و نقل، کالا و خدمات را در دسترس مصرف‌کننده نهایی قرار می‌دهد (پارسیان و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۶۷). متأسفانه شبکه جاده‌ای جنوب شرق ایران از توسعه کافی و مفید برخوردار نمی‌باشد (ابراهیم‌زاده؛ ۱۳۸۹: ۱۱۲).

حمل و نقل ریلی: حمل و نقل ریلی به سبب ویژگی‌هایی همچون ایمنی مطلوب، امکانات مناسب و صرفه اقتصادی از اهمیتی خاص برخوردار است. ایجاد کریدرهای ریلی و اتصال آن به کشورهای همسایه و بنادر ایران سهم زیادی در توسعه ملی خواهد داشت. ولی غفلت از این پروژه باعث انتقال آن به پاکستان و از دست رفتن این فرصت طلایی خواهد شد. لیکن در صورت اتصال محور ریلی شمال- جنوب، مکران در این شبکه راهبردی می‌گیرد (همان منبع).

ارتباطات هوایی: تردهای هوایی جهانی باید از حریم هوایی کشورها انجام شود و استفاده از فضای هر کشور باعث شکل‌گیری نوع جدیدی از درآمدهای ارزی برای آن کشور می‌شود. قسمت عمده‌ای از این درآمد از محل سوخت‌گیری و ارایه خدمات به هواپیماهای عبوری است. سواحل مکران با وجود دارا بودن موقعیت مناسب برای دسترسی هواپیماهای کشورهای مختلف، تاکنون فاقد فرودگاهی مجهز برای ارائه خدمات بوده و اینگونه درآمدها به سایر کشورها نظیر امارات و پاکستان رسیده است. این فرصت می‌تواند مکران را به یکی از سرپل‌های ارتباط میان‌قاره‌ای و بین‌المللی تبدیل نماید (حافظ نیا؛ ۱۳۸۴: ۷-۹).

ارتباطات الکترونیکی: مکران می‌تواند در احداث پروژه بزرگ فیبر نوری جهت مبادله پیام‌های تلفنی، مخابرات و غیره که بخشی از پروژه ارتباطی بزرگ اتصال شرق و غرب اوراسیا است، جایگاه مهمی



داشته باشد. این طرح شرق آسیا تا غرب اروپا را تحت پوشش قرار می‌دهد و پل سرزمینی آسیا-اروپا نام دارد (شمشیرپناه، ۱۳۸۲: ۶۴).

رتبه توسعه اجتماعی استان‌های سواحل در بین استان‌های کشور: استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان که کشور را از طریق مرزهای دریایی به دریاهای آزاد وصل می‌کنند، در مقایسه با سایر استان‌های کشور از توسعه اجتماعی مطلوب برخوردار نیستند. قرارگرفتن سیستان و بلوچستان در رتبه ۲۹ و هرمزگان در رتبه ۲۵ بین ۳۰ استان کشور، حاکی از فقر توسعه و شکل نگرفتن چرخه‌های قابلیت‌ساز احیاء قدرت دریایی است (فیروزآبادی، ۱۳۸۹). به همین دلیل میانگین تراکم نسبی جمعیت در مکران طبق آمار ۱۳۸۵ حدود ۲۶ نفر در کیلومتر مربع است (مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ۱۳۸۷: ۲۶-۲۷).

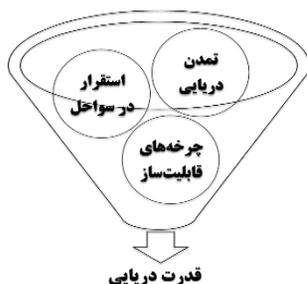
وضع مورد انتظار توسعه سواحل مکران: اولین گام نزدیک‌کردن سرمایه‌های انسانی به دریا و تبدیل شهرهای کوچک و کم‌جمعیت بندری به شهرهای بزرگ و پرجمعیت می‌باشد. در گام دوم ایجاد شهرهای جدید و توسعه شهرهای کوچک‌تر ساحلی بر مبنای مزیت‌های مختلفی مانند مناطق ویژه و آزاد، صنایع مکمل نفت، گاز و پتروشیمی، صنعت گردشگری، صیادی و شیلات و صنایع مختلف و متعدد دریایی است. بدیهی است به موازات توسعه در این حوزه‌ها، کلیه زیربخش‌های دریایی شامل بنادر، ناوگان تجاری، نظامی و مسافری، صنایع دریایی و... متناسب با آن توسعه خواهند یافت و افزایش حضور در دریا و بالارفتن توان و قدرت دریایی، عامل مهم تعیین‌کننده در مناسبات و معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه خواهد بود (همان: ۲۸).

وضع مطلوب توسعه سواحل مکران: کشورهای مهم صنعتی دنیا در حال حاضر برترین قدرت‌های دریایی جهان هستند و هم‌اکنون کرسی‌های دائم شورای اجرایی سازمان جهانی دریانوردی را در اختیار دارند و مقتدرانه حکمرانی می‌کنند. نماد و سمبل اقتدار بین‌المللی و در واقع نتیجه و برآیند توان حضور یک کشور در عرصه‌های فراملی، اقتدار دریایی در تمامی عرصه‌های آن است و برای رسیدن به قدرت منطقه‌ای و جهانی، ایران باید به یک کشور مقتدر دریایی در تمامی عرصه‌های صنعتی، تجاری و نظامی تبدیل گردد. با این رویکرد برآیند توان حضور یک کشور بر پهنه‌ی آب‌ها شامل ناوگان دریایی، صنایع دریایی، علوم دریایی و خدمات دریایی خواهد بود (مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ۱۳۸۷: ۲۶-۲۷).

تمدن دریایی



واژه تمدن دریایی بدین معنی است که مردم یک کشور مجاور با دریا، زیست خود را با دریا پیوندزده باشند و دریا آن‌چنان در زندگی آن‌ها حضور داشته باشد که تمام حوزه‌های حیات آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده باشد. برخورداری از تمدن دریایی به آن معناست که تمام حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ، سیاست و جامعه در نسبتی معنی‌دار با دریا قرار داشته باشد. تمدن‌های دریایی همواره بر شهرهای ساحلی استوار بوده‌اند و کشوری که فاقد شهرهای دریایی توسعه‌یافته باشد را نمی‌توان قدرتی دریایی دانست. تا زمانی که تمدن دریایی در کنار سواحل شکل نگیرد، چرخه‌های قابلیت‌سازی که منبع دریا را به قدرت تبدیل کنند ظهور نخواهد کرد. شهرهای ساحلی محمل و مظهر تمدن دریایی هستند. شکل‌گیری شهرهای ساحلی منجر به افزایش تراکم جمعیت در نواحی ساحلی می‌شود و حضور جمعیت در کنار سواحل



زمینه‌های توسعه را فراهم می‌آورد. نیازهای ناشی از حضور جمعیت در نواحی ساحلی باعث می‌شود تا برای رفع نیازهایشان به فکر بهره‌گیری از دریا و منابع آن بیفتند و این نیاز نیروی مولدی برای شکل‌دهی به چرخه‌های قابلیت‌سازی برای بهره‌برداری از دریا می‌شود. توسعه شهرهای ساحلی با خود فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگ تعامل با دریا، صنایع دریایی، کشتیرانی، تجارت، نیروی نظامی برای تأمین امنیت و ... را به همراه می‌آورد. از این رو گسترش و پراکندگی شهرها در نواحی ساحلی یکی از کلیدهای

شکل‌گیری قدرت دریایی در یک کشور است و تا زمانی که انسان و دریا در نسبت با هم قرار نگیرند قدرت دریایی حاصل نخواهد شد. شهرهای ساحلی پلی برای این تعامل بشمار می‌روند (پژوهشکده اندیشه دفاعی، ۱۳۹۴).

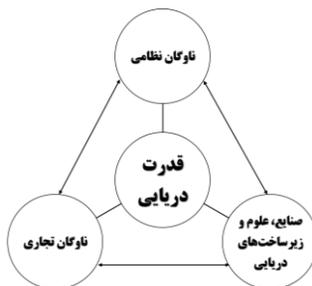
قدرت دریایی

به مجموعه توانایی‌های یک ملت در استحصال منافع از دریاها و اقیانوس‌ها برای فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی در زمان صلح یا جنگ به‌منظور نیل به اهداف ملی، قدرت دریایی گفته می‌شود. ابعاد اصلی آن عبارتند از ناوگان نظامی، ناوگان تجاری، صنایع، علوم و زیرساخت‌های دریایی (شکل ۲) (تبریزی؛ ۱۳۸۶: ۲۰). با این نگاه دو رویکرد در رابطه قدرت و دریا وجود دارد، یکی تأثیر دریا بر قدرت،



ارتقاء ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و دیگری کسب قدرت دریایی برای اعمال اراده سیاسی است (سردار سرلشکر رشید، ۱۳۹۱).

شکل ۲: ابعاد قدرت دریایی



نظریه‌ی قدرت دریایی

ماهان برای تبدیل یک کشور به قدرت دریایی موقعیت جغرافیایی، وضع طبیعی ساحل، گسترش ساحل، اندازه جمعیت، شخصیت ملی و وضع سیاسی دولت را مهم دانسته است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۳۴-۲۳۶).

ابعاد توسعه

مفهوم توسعه: عبارت است از تغییر، تحول و پیشرفت (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۴۱) در گذشته تنها رشد اقتصادی مورد توجه قرار می‌گرفت ولی از دهه ۱۹۶۰ به بعد در مفهوم توسعه تجدیدنظر شد و به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی مدنظر قرار گرفت. در چنین نگرشی، حمایت‌های محیطی با هدف رفاه اجتماعی و زندگی شرافتمندانه که توأم با آزادی و تصمیم‌گیری برای آینده محیط زندگی است، با هدف معیارهایی چون امنیت ملی، کامیابی اقتصادی و عدالت اجتماعی و مکانی مورد توجه قرار گرفت. همچنین توسعه علاوه بر ازدیاد ثروت جامعه از تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز حکایت می‌کند (ازکیا، ۱۳۷۸: ۷۴). مفهوم توسعه در معنای ساده و روان خود به معنای گذار از وضعیتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نامطلوب به وضعیت مطلوب‌تر است که در آن انسان شادمان‌تر بوده و توانایی بیشتر در کنترل سرنوشت زندگی خود دارد (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۲۱). براین اساس، توسعه در معنای کلی تحول در چهار بُعد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است (ازکیا، ۱۳۷۷: ۲۱-۱۸).



توسعه‌ای که باید در این منطقه (مکران) رخ دهد باید توسعه‌ای دو وجهی باشد. هم ابعاد دفاعی و امنیتی را به جد دنبال کند و هم توسعه‌ی اقتصادی را با یک نگاه برون‌گرا با مختصاتی که در این منطقه داریم مورد توجه قرار دهد. گذشته که نشان می‌دهد این منطقه (خاورمیانه) یک منطقه ناآرامی است، و یا نگاه ریپ‌آمیزی که کشورهای قدرتمند به منطقه دارند از وجوه اقتصادی و یا تسلط سیاسی، به هر حال این منطقه، منطقه پرتحرکی است. حضور چین در صحنه‌ی اقتصادی به شکل قوی و حضور هند به‌عنوان یک قطب اقتصادی نو ظهور، باعث رقابت‌های امنیتی هم شده‌است و می‌بینیم سمت‌گیری‌های غیراقتصادی در منطقه وجود دارد. و این یک غفلت است اگر ما فکر کنیم این رقابت‌ها صرفاً شکل اقتصادی دارند. ما در یک منطقه‌ای قرار داریم که در اقیانوس هند با کشورهای زیادی در ارتباط قرار می‌گیریم. شاید بیش از حدود سی کشور که این منطقه را از بعد امنیتی و دفاعی پراهمیت می‌کند. مسئله این موجودات افراطی هم که گاهی در دریا عملیات می‌کنند و گاهی در خشکی، احتیاج به یک توجه امنیتی دارد و حالا مدت‌هاست که ما در دریا هم رفتار دزدان دریایی را می‌بینیم که برای ستون‌های حمل‌ونقل دریایی چه مشکلاتی ایجاد کرده‌اند. حداقل این سه نکته‌ای که من عرض کردم ایجاد می‌کند که ما در این منطقه یک نگاه دفاعی ممتازی داشته باشیم با توجه به مسائل آینده‌ای که در منطقه است و برای امنیت ملی کشور ما ضروری است که این نگاه درازمدت را داشته باشیم. این یک وجه است و وجه دیگرش هم وجه اقتصادی است (لاریجانی، ۱۳۹۳).

مولفه‌های چرخه قابلیت‌ساز اجتماعی: بنا به تعریف اپتر، توسعه در کلی‌ترین شکل آن، از تکثیر و تقارب نقش‌های کارکردی جامعه سرچشمه می‌گیرد (اپتر، ۱۳۸۰: ۱۹). براین اساس گذر از نظم سنتی به نظم مدرن، مبین تقسیم کار اجتماعی فزاینده و انفکاک و پیچیدگی ساختاری جامعه است که حاصل آن نظام اجتماعی مبتنی بر طبقات مشخص و صف‌بندی‌های منطقی است (دورکیم، ۱۳۸۱: ۱۴۲-۱۴۵).

در جریان دگرگونی اجتماعی فوق، روابط مبتنی بر خویشاوندی، عرف و سنت به روابط گسترده اجتماعی، با تحرک بالا، تغییر شکل می‌دهد و از دل آن، همبستگی جدید اجتماعی بوجود می‌آید. این همبستگی مبتنی بر عقلانیت و قرارداد بوده و در آن ساختارهای اجتماعی تفکیک شده و انعطاف‌پذیر هستند و براساس علم امور خود را ساماندهی می‌کند. توسعه اجتماعی با مولفه‌های سطح شهرنشینی، سطح کاربرد فناوری در زندگی روزمره، سطح وضوح صورت‌بندی اجتماعی، نوع و شکل جرایم و طلاق، سطح تعامل با



دنیای بیرون، ترکیب طبقات، سطح تعامل اجتماعی، نوع گروه‌بندی‌های اجتماعی، استقلال طبقات از دولت، انواع جدید خانواده و اشکال دموکراتیک‌تر آن، سطح مصرف و کیفیت زندگی، تنوع حیات اجتماعی، عدالت اجتماعی و دسترسی به فرصت‌های برابر سنجیده می‌شود (استس، ۱۳۸۲، ۵۷، ۶۷).

اما مهم‌تر از همه، توسعه اجتماعی با حقوق انسانی، حقوق کارگران به‌طور وسیع‌تر، حق توسعه و حق برخورداری از خدمات با کیفیت بالاتر، حق برخورداری از محیط زیست سالم و سهم مساوی از فواید رشد اقتصادی نیز در ارتباط است. استس (۲۰۰۱)، توسعه اجتماعی بیان‌گر دو نکته است: اول، تأمین رضایت مردم در سطح نیازهای اساسی و دوم افزایش سطح آزادی. توسعه اجتماعی دو بعد مرتبط به هم دارد؛ اول توسعه ظرفیت مردم برای کار مداوم جهت رفاه آنها و جامعه و دوم تغییر یا توسعه نهادهای اجتماعی، به‌گونه‌ای که نیازهای بشری را در تمامی سطوح از طریق فرآیند بهبود در روابط بین مردم و نهادهای سیاسی - اجتماعی، رفع نماید (دیوب، ۱۳۷۷: ۸۴).

توسعه اجتماعی با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوند تنگاتنگی دارد و ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت می‌باشد. همچنین ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه و مباحث مربوط به جامعه‌ی مدنی، دموکراسی اجتماعی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی (ازکیا، ۱۳۸۴: ۴۷). از طرفی دیگر توسعه اجتماعی در برگیرنده بعدی از توسعه است که بر کنش و واکنش‌های انسانی، نهادها و روابط اجتماعی با یکدیگر تأکید می‌ورزد و بر آن‌ها تمرکز می‌نماید (پیران، ۱۳۸۳). توسعه اجتماعی را می‌توان حرکتی در جهت سازگاری بهتر بین فرد و جامعه، ایجاد امنیت برای شهروندان در تمام زمینه‌ها، ایجاد شرایط برابر به‌خصوص برابری از نظر جغرافیایی و عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، تعریف کرد. توسعه اجتماعی باید به رفاه و آسایش بیشتر افراد جامعه منجر شود تا افراد رضایت بیشتری از زندگی داشته باشند.

مولفه‌های چرخه قابلیت‌ساز اقتصادی: امروزه منظور از اقتصاد توسعه‌یافته، شکلی از نظام اقتصادی است که مولفه‌های آن عبارتند از نقش‌آفرینی در مناسبات جهانی و دارا بودن سهمی قابل توجه از بازارها، تولید صنعتی انبوه، تولید کشاورزی انبوه، انباشت و صدور سرمایه، مهمترین معیار توسعه اقتصادی و مقدار تولید ناخالص ملی بوده‌است که از تقسیم مقدار سرانه ملی بر جمعیت کشور به‌دست می‌آید. اغلب فرض بر آن بوده‌است که تولید سرانه ملی هر فرد بیشتر باشد، توانایی‌های او جهت برآوردن خواست‌های



خود بیشتر و موانع او کمتر است. از مولفه‌های دیگر توسعه اقتصادی، می‌توان به سطح بهره‌وری سرمایه‌های کشور، سطح اشتغال مفید و کارآمد، سطح تولید صنعتی و درصد جمعیت شاغل به کار در صنعت کیفیت زندگی شهروندان بر حسب استانداردهایی مانند احساس امنیت، امید به آینده، خودشکوفایی، نرخ مرگ و میر و زاد و ولد، میزان فقر و محرومیت، بنیادهای قشر بندی، میزان و شدت احساس محرومیت و سطح توانمندی شهروندان اشاره کرد (کلمن ۱۳۷۸: ۲۲، ۲۴).

امید به آینده، خودشکوفایی و مشارکت اجتماعی، معیارهایی کیفی هستند که به کیفیت و سطح بهره‌مندی از مزایای توسعه و توزیع آن در جامعه اشاره می‌کنند. مقایسه میان مولفه‌های ارائه شده در یکی از تحلیل‌های پرنفوذ و ابتدایی درباره توسعه اقتصادی و یکی از تحلیل‌های متاخر، در این باره به خوبی تحول شاخص‌بندی‌های توسعه اقتصادی را نشان می‌دهد (روستوو، ۱۹۶۰: ۱۲). به هر حال اکنون توسعه اقتصادی به ابعاد اجتماعی توسعه بیشتر توجه دارد و اغلب مباحث توسعه اقتصادی و اجتماعی در کنار هم طرح و مباحث توسعه سیاسی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود.

مولفه‌های توسعه دفاعی امنیتی: امنیت نظامی به مفهوم آن است که کشور از خطر تهدیدهای نظامی در امان باشد. بدیهی است یک جامعه، در شرایطی می‌تواند امنیت نظامی داشته باشد که علاوه برداشتن قابلیت‌های مختلف، نیروهای مسلح آن نیز از توان رزمی مناسب برای پاسخ گویی به تهدیدهای نظامی برخوردار باشند. به عبارت دیگر برای رسیدن به امنیت نظامی، کسب و توسعه‌ی مولفه‌های قدرت نظامی برتر در ابعاد محسوس، نامحسوس و برترساز نسبت به رقیبان، ضرورت حیاتی دارد. اتخاذ سیاست دفاعی موثر در ابعاد مختلف و تدوین راهبرد مناسب ملاحظاتی هستند که قدرت و امنیت نسبی نظامی را برای یک جامعه پدید می‌آورند. توجه به ملاحظات یادشده سبب می‌شود تا ترکیب، استعداد و طرح‌های گسترش نیرویی در پهنه‌ی سرزمین، متناسب با وسعت خاک، طول مرزها و تهدیدها برنامه‌ریزی شوند. کشوری می‌تواند از امنیت نظامی برخوردار شود که بدون وارد شدن در جنگ، بتواند منافع حیاتی خود را حفظ کند و چنانچه به جنگ هم مبادرت ورزید، قادر باشد منافع حیاتی خود را تأمین نماید (کانون پژوهش‌های خلیج فارس - ۱۳۹۱).

مولفه‌های چرخه قابلیت‌ساز فرهنگی: توسعه فرهنگی به معنای گذار از ایستایی فرهنگی به سوی پویایی است. در یک معنای دیگر توسعه فرهنگی، فراهم آمدن امکانات دسترسی همگان به آگاهی، آموزش



و مهارت‌های گوناگون می‌باشد. توسعه فرهنگی در ابعاد عینی تر خود متوجه اصولی مانند گذار از فرهنگ انقیاد به فرهنگ مشارکتی، گذار از نگرش محدود محلی اندیش سنتی به نگرش جهان‌اندیش، گذار از تعلقات فرومی و قبیله‌ای به تعلق خاطر ملی، مرجعیت‌یابی علم و عقلانیت در زندگی بشری، اهمیت‌یابی آموزش و مهارت و تکنیک در زندگی انسانی و دسترسی هر چه بیشتر به کالای فرهنگی است (گیدز ۱۳۸۳: ۲۷-۳۰).

در جریان توسعه فرهنگی، اغلب علاوه بر خروج از انواع انقیادها، شاهد پویایی فرهنگی و رشد شیوه‌های جدید زندگی نیز هستیم که عملاً، فرهنگ جامعه توسعه‌یافته را به فرهنگی تکثیر یافته تبدیل می‌کند، فرهنگی که در آن انواع گوناگون الگوها و ایده‌ها در وضعیت پذیرش کثرت‌ها به حیات خود ادامه می‌دهند. چنانچه توسعه را گذار از یک شکل تمدن به شکل دیگر تمدن تعریف کنیم، برای عبور از توسعه به معنایی صرفاً اقتصادی، لازم است آن را در رابطه با مفهوم تمدن توضیح دهیم. از این رویکرد، تمدن‌ها حاصل تلاش انسان‌ها برای رفع نیازهای خود هستند. انسان‌ها در راه رفع نیازهای خود، روش‌هایی را ابداع می‌کنند. حاصل انباشت دستاوردهای انسان در روند زندگی جمعی، میراثی مادی- معنوی است که همان تمدن را می‌سازد. هر تمدن گرچه در قالب میراث مادی و معنوی خود صورت عینی می‌گیرد، ولی این تمدن و صورت عینی آن در بن‌مایه‌ی خود اندیشه‌های اصلی دارد که رشد و زوال آن براساس اندیشه‌ها و ظرفیت‌ها رقم می‌خورد. این اندیشه‌ها ظرفیت‌های هر تمدن را می‌سازد و ساکنان و حاملان هر تمدن بر اساس افق‌های حاصل از این اندیشه‌ها، کوشش‌های خود را شکل می‌دهند. مردم برای تحقق ظرفیت اندیشه‌های اصلی خود، نهادها و زیر ساخت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را ایجاد می‌کنند. براین اساس، "توسعه حرکتی پیش‌رونده به‌سوی استقرار نهادهای جدید و متناسب با ارزش‌ها و اندیشه‌های جدید است." توسعه فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیت‌های شناخته‌شده جدید شوند و سطح رفاه جامعه ارتقاء یابد" (عظیمی آرانی، ۱۳۸۳: ۴۵-۳۱).

مؤلفه‌های چرخه قابلیت‌ساز سیاسی: سطح اول توسعه سیاسی در دنیای مدرن، شکل‌گیری یک دولت- ملت است. شکل‌گیری دولت- ملت دو دلیل دارد. دلیل اول شکل‌گیری دولتی است که می‌تواند تمام اقتدارهای ملی‌گرا و فراملی‌گرا را در محدوده یک کشور خاص، ذیل اقتدار خود گردآورد و انحصار قانون‌گذاری را در دست گیرد و منبع نهایی اقتدار در جامعه شود. دلیل دوم شکل‌گیری ملتی است که بر



مبنای گسستن از تعلقات فراملی و تعلقات فروملی و پیوستن به مبنای تعلق جدید ملیت استوار است. هنگامی که این مقدار از توسعه سیاسی تحقق یابد، معمولاً به سطح دوم توسعه سیاسی احساس نیاز می‌شود که بر حسب "افزایش کارایی حکومت در بسیج منابع انسانی و مادی در راستای اهداف ملی" تعریف می‌شود. در این مرحله، حکومت می‌تواند با گسترش دو بازوی خود یعنی بوروکراسی سراسری و ارتش- اقتدار خود را در سراسر کشور گسترش دهد. سطح سوم و نهایه توسعه سیاسی بر حسب میزان مشارکت عمومی در سیاست تعریف و با شاخص‌های توسعه روابط مبتنی بر شهروندی، تحکیم حقوق فردی و گروهی، توانمندی جامعه مدنی در مقابل دولت، وجود نظام چند حزبی، سیاست رقابتی و ثبات سیاسی به عنوان شاخص‌های توسعه سیاسی سنجیده می‌شود. لذا در کل سطح توسعه سیاسی به معنای "گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی" است (هانتیگتون، ۱۳۸۳: ۵). براساس تحلیلی بسیار پرنفوذ از لئوناردو در باب بحران‌های حاصل از نوسازی جامعه می‌توان گفت که جامعه توسعه‌یافته جامعه‌ای است که در آن موقعیت نسبی در حل بحران‌های پنج‌گانه نفوذ مشارکت، مشروعیت، هویت و توزیع به دست آمده باشد (بایندر، ۱۳۸۰: ۸۹-۱۰۹).

با توضیحاتی که در این بخش داده شد، مدل مفهومی با ۵ چرخه‌ی قابلیت‌ساز با اتکاء بر فعال‌سازی ظرفیت‌های سواحل مکران برای ظهور قدرت دریایی قابل ترسیم است. در این مدل (شکل ۳) هم‌پوشانی نسبی میان چرخه‌های قابلیت‌ساز برای فعال‌سازی ظرفیت‌های مکران و احیاء قدرت دریایی قابل مشاهده است و لازم است روابط میان ابعاد با الگوی احیاء قدرت دریایی و همبستگی میان مولفه‌های آنها طی فرایند نظریه‌ی مبنایی شکل گرفته و احصا شود.

شکل ۳: مدل مفهومی ایجاد چرخه‌های قابلیت‌ساز در سواحل مکران

با لحاظ احیاء قدرت دریایی (محقق ساخته)





روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر که متغیر مستقل آن چرخه‌های قابلیت‌ساز، متغیر تابع آن قدرت دریایی و متغیر بازیگر آن سواحل مکران می‌باشد، از نوع کاربردی و با روش نظریه‌ی مبنایی و استفاده از روش‌های موردی و زمینه‌ای و همبستگی انجام شده است. در این تحقیق به منظور جمع‌آوری داده‌های از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی با استفاده از ابزارهای مطالعه‌ی منابع، مشاهده و پرسش‌نامه استفاده شده است. محقق برای جمع‌آوری داده‌ها، وضعیت توسعه در مکران شامل سواحل، پس‌کرانه، شهرها و راه‌های ارتباطی را مورد بازدید و مشاهده قرار داد و با استفاده از روش جمع‌آوری داده کتابخانه‌ای، داده‌های پژوهش جمع‌آوری و دسته‌بندی شد و با استفاده از روش نظریه مبنایی، با چند مرحله مطالعه عمقی، نمونه‌برداری از داده‌ها بر اساس ظهور مفهومی انجام و با کد گذاری باز، ۲۲۳ نمونه جمع‌آوری و اقدام به ترکیب مفاهیم و تدوین ۳۳ مقوله شد. با استفاده از مقوله‌ها ۵ قضیه اصلی و ۱۸ قضیه فرعی به دست آمد و هم‌زمان چرخه‌های قابلیت‌ساز مولد قدرت دریایی و مولفه‌های هرچرخه در الگوی احیاء قدرت دریایی احصاء و مدل مفهومی شکل گرفتن چرخه‌های قابلیت‌ساز با لحاظ احیاء قدرت دریایی ترسیم شد. در گام بعدی چرخه‌ها و مولفه‌های بدست آمده برای هر چرخه در قالب پرسش‌نامه با طرح سؤالات باز و بسته برای منتخب جامعه‌ی نمونه به تعداد ۳۰ نفر ارسال و پس از استاندارد سازی پرسش‌نامه بر مبنای نظر خبرگان جامعه‌ی آماری، پرسش‌نامه در اختیار ۷۰ نفر جامعه نمونه قرار داده شد. نتیجه آزمون آلفای کرونباخ نشان داد که پرسشنامه از پایایی و دقت لازم برخوردار است. نتیجه آزمون تحلیل عاملی تاییدی رویی پرسش‌نامه را تأیید نمود و برای بررسی اینکه آیا تعداد داده‌های موردنظر برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. برای استخراج عامل‌ها از روش مؤلفه‌های اصلی و برای چرخش عامل‌ها از روش واریماکس با نرمال‌سازی کیسر استفاده شد و ملاک تصمیم‌گیری درمورد بقا یا حذف سؤالات پرسشنامه از تحلیل عاملی؛ مقادیر اشتراک استخراجی آنها قرار داده شد. بدین ترتیب هر سؤال که مقادیر اشتراک استخراجی آن کمتر از (۰/۵) بود از تحلیل عاملی کنار گذاشته شد. همچنین ملاک تصمیم‌گیری در مورد دسته‌بندی سؤالات، مقادیر ویژه بالاتر از (۱) و نمرات عاملی بالاتر از (۰/۴) در نظر گرفته شد. سپس با استفاده از نرم‌افزارهای لیزرل، سوپر دسیژن و اس پی اس اقدام به تجزیه و تحلیل کیفی و کمی یافته‌های پژوهش گردید. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی مورد توصیف قرار گرفت و سپس به‌منظور ایجاد مدل اندازه‌گیری برانده و قابل قبول، تحلیل عامل تاییدی



با استفاده از نرم افزار لیزرل و آزمون‌های بارتلت و کی ام او، در مورد کلیه عوامل نهفته متغیرهای تحقیق انجام گرفت. در ادامه پس از بررسی نرمال بودن توزیع آماری با استفاده از نرم افزار SPSS همبستگی میان متغیرها مورد بررسی قرار گرفت و در پایان با استفاده از تحلیل شبکه‌ای نسبت به رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش اقدام شد و در این مسیر روایی سئوالات پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت. سپس به منظور بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد و نتایج این آزمون نشان داد سطح معناداری متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰.۰۵ است. سپس در تجزیه تحلیل استنباطی، با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تاییدی روایی سازه مورد آزمون قرار گرفت و تأیید شد. پس از تعیین مدل‌های اندازه‌گیری به منظور ارزیابی مدل مفهومی پژوهش و اطمینان از وجود رابطه علی میان متغیرهای آن و بررسی تناسب داده‌های مشاهده شده با مدل مفهومی، متغیرها با استفاده از مدل معادلات ساختاری نیز آزمون شدند و برای قرار گرفتن در الگو مورد تأیید قرار گرفتند. همچنین برای بررسی اینکه مدل تدوین شده از لحاظ تبیین مجموعه‌ای از داده‌ها مشاهده شده تا چه حد خوب عمل می‌کند، از مقادیر شاخص نرم شده برازندگی، شاخص نرم نشده برازندگی، شاخص برازندگی فزاینده و شاخص برازندگی تطبیقی نیز استفاده گردید که برای مدل طراحی شده نشان از برازش مناسب داده‌های گردآوری شده و برازندگی عالی آنها دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

با توجه به استفاده از روش نظریه‌ی مبنایی، پس از مقوله‌بندی، مرحله طرح فرضیه‌ها و یا قضیه‌ها صورت گرفت. با توجه به اینکه فرضیه‌ها این مزیت را دارند که بتوان عناصر اصلی الگو را تبیین و مشخص نمود در قضیه‌ها یکپارچه‌سازی موضوعی با بهره‌گیری از مصداق‌های معین، تجربی و یا شهودی فرضیه‌ها پایه‌ریزی شد و محقق به منظور رسیدن به چارچوب عینی تری از الگوی مورد نظر، با ترکیب و آرایش نظری مقوله‌ها با در نظر گرفتن روابط بین یک مقوله و مفاهیم آن با مقوله و مفاهیم مرتبط با دیگر فرضیه‌ها، الگوی احیاء قدرت دریایی با استفاده از چرخه‌های قابلیت‌ساز سواحل مکران را ارایه نمود.

فرضیه اصلی ۱: چرخه‌ی قابلیت‌ساز اجتماعی یکی از ابعاد الگوی احیاء قدرت دریایی است

فرضیه فرعی: چرخه‌های قابلیت‌ساز مدنی، علمی، حمل و نقل و شهری مولفه‌های اصلی چرخه‌ی قابلیت‌ساز اجتماعی در سواحل مکران هستند.



فرضیه اصلی ۲: چرخه‌ی قابلیت‌ساز اقتصادی یکی از ابعاد الگوی احیاء قدرت دریایی است
فرضیه فرعی: چرخه‌های قابلیت‌ساز تولیدی، حمل و نقل، خدمات فنی، صنعتی، کار، مالی، صادرات و گردشگری مولفه‌های اصلی چرخه‌ی قابلیت‌ساز اقتصادی در سواحل مکران هستند.

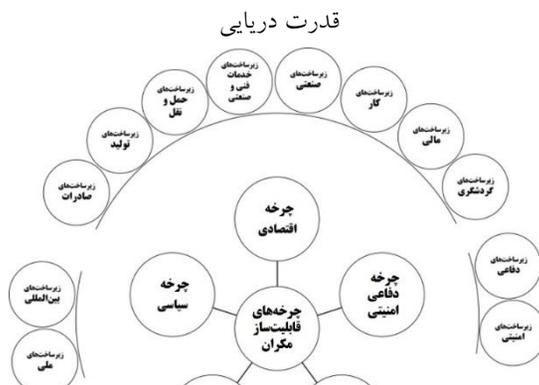
فرضیه اصلی ۳: چرخه‌ی قابلیت‌ساز فرهنگی یکی از ابعاد الگوی احیاء قدرت دریایی است
فرضیه فرعی: چرخه‌های قابلیت‌ساز دینی و ساختاری مولفه‌های اصلی چرخه‌ی قابلیت‌ساز فرهنگی در سواحل مکران هستند.

فرضیه اصلی ۴: چرخه‌ی قابلیت‌ساز سیاسی یکی از ابعاد الگوی احیاء قدرت دریایی است
فرضیه فرعی: چرخه‌های قابلیت‌ساز تعاملات سیاسی ملی و بین‌المللی مولفه‌های اصلی چرخه‌ی قابلیت‌ساز سیاسی در سواحل مکران هستند.

فرضیه اصلی ۵: چرخه‌ی قابلیت‌ساز دفاعی امنیتی یکی از ابعاد الگوی احیاء قدرت دریایی است
فرضیه فرعی: چرخه‌های قابلیت‌ساز دفاعی و امنیتی مولفه‌های اصلی پیشرفت دفاعی امنیتی سواحل مکران هستند.

با توجه به فرضیات پژوهش، چرخه‌های قابلیت‌ساز اقتصادی، اجتماعی، دفاعی امنیتی، فرهنگی و سیاسی ابعاد اصلی مدل احیاء قدرت دریایی با استفاده از ظرفیت سواحل مکران هستند و همچنین چرخه‌های قابلیت‌ساز تولیدی، صنعتی، پیشرفت شهری، مدنی، حمل و نقل، مالی، خدمات فنی و صنعتی، کار، صادرات، گردشگری، علمی، حمل و نقل شهری، ساختاری، دینی، دفاعی، امنیتی، تعاملات سیاسی ملی و تعاملات سیاسی بین‌المللی به ترتیب با کسب رتبه‌های ۱ تا ۱۸ مهمترین مولفه‌های الگو شناخته شدند. در ادامه فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار گرفتند و همگی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار گرفتند. سپس متغیرها با استفاده از آزمون فریدمن و فرایند تحلیل شبکه‌ای رتبه‌بندی شدند. در نهایت الگوی اولیه ایجاد چرخه‌های قابلیت‌ساز احیاء قدرت دریایی با تأکید بر ظرفیت‌های سواحل مکران (بدون ضرایب همبستگی) مطابق شکل ۴ تدوین گردید.

شکل ۴: الگوی اولیه‌ی ایجاد چرخه‌های قابلیت‌ساز با استفاده از ظرفیت‌های سواحل مکران برای احیاء





پیش از آزمون تعیین روابط بین متغیرها، نرمال بودن آنها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این آزمون نشان می‌دهد سطح معنی‌داری متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰.۰۵ است و همچنین باید خاطر نشان کرد نرم افزار Spss طبق قضیه حد مرکزی نیز نتایج پرسشنامه را نرمال تشخیص داده‌است. (جدول ۱)

برای بررسی رابطه علی بین متغیرهای مستقل اصلی و وابسته و تایید کل مدل از روش مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شده است. تحلیل مسیر در این پژوهش با استفاده از نرم افزار اسمارت PLS انجام و ضریب معناداری و نتایج فرضیه‌های اصلی پژوهش برابر جدول ۲ می‌باشد. در ادامه آزمون فرضیات فرعی پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵٪ انجام شد و مطابق نتایج به دست آمده همه‌ی فرضیه‌های فرعی و همه‌ی مولفه‌های الگو مورد تأیید قرار گرفتند. سپس برای بررسی اهمیت و رتبه‌بندی تأثیرگذاری مولفه‌های چرخه‌های قابلیت‌ساز سواحل مکران از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۱: نتیجه‌ی نرمال بودن متغیرها بر اساس آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف و آلفای

کرونباخ

مولفه‌ها	کولموگروف اسمیرنوف	مقدار معنی داری	آلفای کرونباخ (۰.۹۴۰)
----------	--------------------	-----------------	-----------------------



۹۳۵.	۰.۰۸۷	۱.۲۵۳	توسعه زیرساخت‌های تولیدی
۹۳۵.	۰.۱۳۶	۱.۱۵۹	توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل
۹۳۶.	۰.۰۹	۱.۲۴۶	توسعه زیرساخت‌های خدمات فنی
۹۳۴.	۰.۲۲۳	۱.۰۴۷	توسعه زیرساخت‌های صنعتی
۹۳۶.	۰.۱۳۹	۱.۱۵۵	توسعه زیرساخت‌های کار
۹۳۷.	۰.۱۷۴	۱.۱۰۵	توسعه زیرساخت‌های مالی
۹۳۳.	۰.۵	۰.۸۲۸	توسعه زیرساخت‌های صادرات
۹۳۸.	۰.۰۵۵	۱.۳۳۹	توسعه زیرساخت‌های گردشگری
۹۳۴.	۰.۰۸۳	۱.۴۰۶	توسعه زیرساخت‌های دفاعی
۹۳۷.	۰.۲۰۳	۱.۰۶۹	توسعه زیرساخت‌های امنیتی
۹۳۹.	۰.۶۶۸	۰.۷۲۶	توسعه زیرساخت‌های مدنی
۹۳۸.	۰.۴۵۱	۰.۸۶	توسعه زیرساخت‌های علمی
۹۳۷.	۰.۱۷۷	۱.۱۰۱	توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل
۹۴۰.	۰.۵۸۷	۰.۷۷۴	توسعه زیرساخت‌های شهری
۹۳۸.	۰.۷۴۳	۰.۶۸۱	توسعه زیرساخت‌های ساختاری
۹۳۸.	۰.۳۴۲	۰.۹۳۸	توسعه زیرساخت‌های دینی
۹۳۷.	۰.۱۴۶	۱.۱۴۴	توسعه تعاملات سیاسی ملی
۹۴۲.	۰.۰۸۲	۱.۲۶۴	توسعه تعاملات سیاسی بین‌المللی

جدول ۲: نتایج فرضیه‌های اصلی با استفاده از نرم‌افزار اسمارت PLS

فرضیه ها	استاندارد معناداری	نتیجه
چرخه اقتصادی	۰.۵۵۰	۱۹.۱۹۵ تایید
چرخه دفاعی - امنیتی	۰.۱۴۹	۱۳.۲۵۵ تایید
چرخه اجتماعی	۰.۲۰۹	۱۰.۹۵۲ تایید
چرخه فرهنگی	۰.۱۳۳	۱۳.۰۷۲ تایید



تایید	۸.۰۲۷	۰.۱۰۰	چرخه سیاسی
-------	-------	-------	------------

جدول ۳: رتبه بندی تاثیرگذاری مولفه‌های کلیدی توسعه

شاخص‌ها	میانگین رتبه	رتبه
توسعه زیرساخت‌های تولیدی	۱۲.۳۱	۱
توسعه زیرساخت‌های صنعتی	۱۱.۱۱	۲
توسعه زیرساخت‌های شهری	۱۰.۸۳	۳
توسعه زیرساخت‌های مدنی	۱۰.۶۳	۴
توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل	۱۰.۵۹	۵
توسعه زیرساخت‌های مالی	۱۰.۲۵	۶
توسعه زیرساخت‌های خدمات فنی و صنعتی	۱۰.۰۹	۷
توسعه زیرساخت‌های کار	۹.۶۳	۸
توسعه زیرساخت‌های صادرات	۹.۳۷	۹
توسعه زیرساخت‌های گردشگری	۹.۳۶	۱۰
توسعه زیرساخت‌های علمی	۹.۲۹	۱۱
توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل شهری	۹.۲۶	۱۲
توسعه زیرساخت‌های ساختاری	۸.۵۴	۱۳
توسعه زیرساخت‌های دینی	۸.۴۴	۱۴
توسعه زیرساخت‌های دفاعی	۸.۱۱	۱۵
توسعه زیرساخت‌های امنیتی	۸.۰۴	۱۶
توسعه تعاملات سیاسی ملی	۸.۰۱	۱۷
توسعه تعاملات سیاسی بین‌المللی	۷.۱	۱۸

علاوه بر آزمون فریدمن، رتبه‌بندی متغیرها با استفاده از تکنیک آماری تحلیل شبکه‌ای نیز مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه‌ی آزمون فریدمن را مطابق با جداول ۴ الی ۹ تأیید نمود.



جدول ۴: وزن ابعاد اصلی توسعه سواحل مکران در الگوی توسعه

اولویت	وزن	معیار	ردیف
۱	.۵۵۰	چرخه اقتصادی	۱
۲	.۲۰۹	چرخه اجتماعی	۲
۴	.۱۴۹	چرخه دفاعی امنیتی	۳
۳	.۱۳۳	چرخه فرهنگی	۴
۵	.۱۰۰	چرخه سیاسی	۵

جدول ۵: وزن مولفه‌های توسعه اقتصادی سواحل مکران در الگوی توسعه

اولویت	وزن	معیار
۱	.۲۲۱	توسعه زیرساخت‌های تولیدی
۲	.۱۷۳	توسعه زیرساخت‌های صنعتی
۳	.۱۵۱	توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل
۴	.۱۲۹	توسعه



		زیرساخت‌های کار
۵	./۱۲۴	توسعه زیرساخت‌های خدمات فنی و صنعتی
۶	./۰۷۷	توسعه زیرساخت‌های گردشگری
۷	./۰۷۵	توسعه زیرساخت‌های مالی
۸	./۰۴۶	توسعه زیرساخت‌های صادرات



جدول ۷: وزن مولفه‌های بعد دفاعی امنیتی

اولویت	وزن	معیار
۱	۰/۸۴۹	توسعه زیرساخت‌های امنیتی
۲	۰/۱۵۰	توسعه زیرساخت‌های دفاعی

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

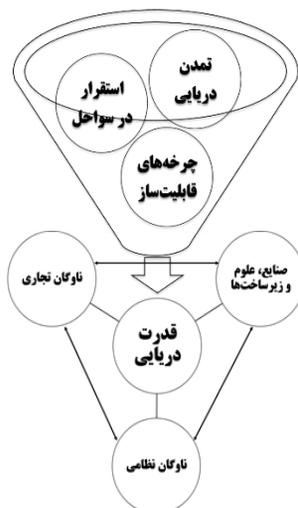
در نظریه مبنایی جمع‌آوری داده‌ها (نمونه‌برداری نظری)، کدگذاری (تحلیل مضمونی یا پردازش)، مفهوم‌سازی، مقوله‌بندی و مدل‌سازی صورت می‌گیرد، در این پژوهش نیز با اجرای این مراحل پژوهشگران در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش به دنبال ارایه مدل یکپارچه احیاء قدرت دریایی و الگوی ایجاد چرخه‌های قابلیت‌ساز با استفاده از ظرفیت‌های سواحل مکران با تأکید بر تولید قدرت دریایی می‌باشند. با توجه به یافته‌های پژوهش، مدل احیاء قدرت دریایی و ابعاد اصلی الگوی ایجاد چرخه‌های قابلیت‌ساز و مولفه‌های هر چرخه مشخص گردید. برابر این یافته‌ها ۲۲۳ مفهوم با در نظر گرفتن ماهیت نمونه‌برداری (جهت‌گیری کلی)، از ادبیات تحقیق استخراج و کدبندی و پس از ترکیب مفاهیم مطابق روش تحقیق نظریه



مبنایی، ۳۳ مقوله به دست آمد که برای تبیین روابط مفهومی بین مقوله‌ها و مفاهیم مربوط به آن، پنج فرضیه اصلی و ۱۸ فرضیه فرعی ارائه و برای رسیدن به الگوی راهبردی توسعه سواحل مکران، عناصر اصلی و محوری الگو استخراج گردید. لذا قبل از ارائه الگوی نهایی ایجاد چرخه‌های قابلیت‌ساز با استفاده از ظرفیت‌های سواحل مکران و میزان همبستگی بین هر چرخه با الگو و هر مولفه با چرخه مورد نظر، با توجه به یافته‌های پژوهش در مورد مدل احیاء قدرت دریایی که قابل تعمیم می‌باشد نتایج به دست آمد شرح داده می‌شود:

برابر یافته‌های پژوهش، ۳ عامل اصلی شامل احیاء تمدن دریایی، استقرار تمدن دریایی در سواحل و شکل‌گیری چرخه‌های قابلیت‌ساز اقتصادی، اجتماعی، دفاعی-امنیتی، فرهنگی و سیاسی مهمترین عوامل و زمینه‌های اصلی تولید قدرت دریایی هستند. در این بین دو عامل رویکرد دریایی جامعه‌ی مدنی و دولت به همراه شهرهای بزرگ ساحلی نقش اساسی در تولید و پیوند عوامل مولد قدرت دریایی ایفاء می‌نمایند. شکل‌گرفتن چرخه‌های قابلیت‌ساز یکی از عوامل اصلی در تولید قدرت دریایی است. در واقع الگوی احیاء قدرت دریایی شامل ۵ چرخه‌ی قابلیت‌ساز اقتصادی، اجتماعی، دفاعی-امنیتی، فرهنگی و اجتماعی است که هرکدام در ارتباط با مولفه‌های احصاء‌شده برابر الگو، شرایط را برای تولید قدرت دریایی فراهم می‌آورند. به این ترتیب مدل احیاء یا ایجاد قدرت دریایی با تأکید بر ظرفیت سواحل برابر شکل ۵ ارائه می‌گردد.

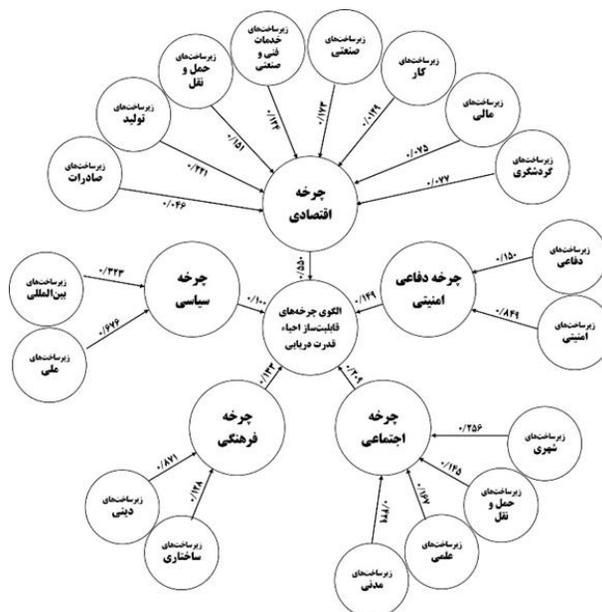
شکل ۵: مدل پیشنهادی برای احیاء یا تولید قدرت دریایی





با عنایت به اینکه مدل احیاء قدرت دریایی مولد چرخه‌های قابلیت‌سازی است که متضمن تولید قدرت دریایی هستند، الگوی شکل ۶ با لحاظ ضریب همبستگی هر چرخه در ارتباط با الگو و هر مولفه در ارتباط با هر چرخه ارائه می‌گردد. احیاء قدرت دریایی ج.ا.ایران با بهره‌گیری از مدل و الگوی ارائه‌شده همزمان توسعه سواحل مکران را در پی خواهد داشت.

شکل ۶: الگوی چرخه‌های قابلیت‌ساز احیاء قدرت دریایی



فهرست منابع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی؛ بررسی انواع صید در چابهار و تحلیل اثرات آن بر سایر آبزیان؛ پژوهشکده علوم زمین و جغرافیا دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ چابهار؛ ۱۳۸۷.
- اپتر و همکاران؛ اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی؛ ترجمه سعیدآبادی؛ تهران؛ انتشارات مطالعات راهبردی؛ ۱۳۸۰.



- ازکیا، مصطفی؛ جامعه شناسی توسعه؛ تهران؛ انتشارات کیهان؛ ۱۳۷۸
- استس، ریچارد؛ روند توسعه اجتماعی جهان ۱۹۷۰-۱۹۹۵ میلادی: چالش‌های توسعه برای قرن جدید؛ ترجمه علی حبیبی؛ مجله برنامه و بودجه، شماره ۵۶-۵۷؛ ۱۳۸۲. پایندر، ۱۳۸۰: ۸۹-۱۰۹
- پارسایان، رهبری؛ مقدمه‌ای بر ترانزیت، سازمان بنادر و دریانوردی؛ تهران؛ ۱۳۶۷.
- پژوهشکده اندیشه دفاعی، تمدن دریایی، تهران، ۱۳۹۴
- تبریزی، ابراهیم، راهبرد و مبانی قدرت دریایی، دافوس آجا، تهران، ۱۳۸۵
- حافظ نیا، محمدرضا و رومینا، ابراهیم؛ تحلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرقی ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت)؛ مجله جغرافیا و توسعه؛ پاییز و زمستان ۱۳۸۴-حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۳۴-۲۳۶
- حافظ نیا، محمدرضا؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک؛ انتشارات پاپلی؛ مشهد؛ ۱۳۸۵
- دلیری، شهربانو؛ جایگاه مکران در مسیر جاده‌ی ادویه؛ اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران، چابهار؛ ۱۳۹۱.
- دورکیم امیل؛ درباره تقسیم کار اجتماعی؛ ترجمه باقر پرهام؛ نشر مرکز؛ تهران؛ ۱۳۸۱.
- ذوالفقاری، یوسف، مدیریت و ساماندهی سواحل در قانون برنامه سوم و چهارم توسعه؛ مجله علمی تخصصی و تحقیقاتی بندر و دریا، سال بیستم، شماره ۱۲۶-۱۲۷، ۱۳۸۴
- افتخاری، عبدالرضا؛ دهیاری‌ها و مدیریت توسعه؛ نشریه ۲دهیاری‌ها؛ تهران؛ ۱۳۸۲.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛ مطالعات توسعه سیستان و بلوچستان؛ جلد ۱؛ تهران؛ ۱۳۶۷.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛ نگاهی به سازمان فضایی کشور؛ تهران؛ ۱۳۸۵.
- رشید، غلامعلی؛ ستاد کل نیروهای مسلح؛ بندرعباس؛ ۱۳۹۱.
- شمشیرپناه، معصومه؛ اهمیت امنیتی-استراتژیکی بندرچابهار؛ دانشگاه امام حسین (ع)؛ ۱۳۶۸.
- عظیمی آرنانی، حسین؛ ایران امروز در آینه مباحث توسعه؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ تهران؛ ۱۳۸۳.



عظیمی، میکائیل؛ عملکرد ده ساله طرح توسعه محور شرق و نقش آن در توسعه استان سیستان و بلوچستان؛ همایش شناخت استعدادهای بازرگانی- اقتصادی سیستان و بلوچستان؛ موسسه مطالعات بازرگانی؛ وزارت بازرگانی؛ تهران؛ ۱۳۷۹.

علیمحمدی سراب، عباس؛ ویژگی‌های اساسی سامانه اطلاعات جغرافیایی در مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور؛ مجله علمی تخصصی بندر و دریا (ویژه نامه مناطق ساحلی یکپارچه کشور) سال بیستم؛ شماره ۱۲۷-۱۲۶؛ تیر و مرداد ۱۳۸۴.

فیروزآبادی، سید احمد و همکاران؛ بررسی توسعه اجتماعی استان‌ها براساس اولویت وزنی شاخص‌ها و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی؛ فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی؛ سال دهم، شماره ۳۷، تهران، ۱۳۸۹.

کانون پژوهش‌های خلیج فارس، سواحل دریای عمان، تهران، ۱۳۹۱
کریمی پور، یداله؛ تفاوت‌های راهبردی سواحل ایران؛ تهران؛ فصلنامه جغرافیای انسانی؛ شماره اول؛ زمستان ۱۳۸۹.

کلمن، دیوید و نیکسون فرد؛ اقتصاد شناسی توسعه نیافتگی؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ تهران؛ وثقی؛ ۱۳۷۸.
گیدز، آنتونی؛ تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)؛ ترجمه موفقیان؛ تهران؛ نشر طرح نو؛ ۱۳۸۵.

لاریجانی، علی؛ همایش توسعه سواحل مکران و اقتدار ملی، دفتر مطالعات راهبردی نداجا، جاسک، ۱۳۹۳.
مجمع تشخيص مصلحت؛ ارائه مدل آمایش سرزمین با محوریت دریا؛ کمیسیون امور زیربنایی و تولیدی؛ تهران؛ ۱۳۸۷.

Phillips, M, R and Jones, L, A; "Erosion and tourism infrastructure in the coastal zone": problems, consequences and management, Tourism management, ۲۰۰۶